

۳۳- «مدیریت حکیمانه» در سازمان‌های آخرت‌گرا بیشتر بر کدام نیاز انسان تاکید دارد؟

(۱) الهی (۲) مدنی (۳) عقلانی (۴) طبیعی

پاسخ: گزینه (۳) عقلانی

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۳۲۴ - فلش کارت ۱۸۳

سطوح نیازها	مصادقه‌های نیازها در سطح سازمان	اقدامات عملی برای ارضاء نیازها در سازمان
نیازهای طبیعی	نیاز به منابع مالی برای امرار معاش خود و خانواده؛ بهداشت جسمانی و روانی؛ تضمین آینده شغلی؛ برخورداری از تسهیلات سازمانی.	برقراری نظام حقوق و دستمزد کارآمد؛ قراردادهای استخدامی پایدار و منصفانه؛ بیمه‌های درمانی؛ بازنشستگی؛ فراهم نمودن امکانات رفاهی و مسکن
نیازهای مدنی	مشارکت در فعالیتهای تعاملات اجتماعی؛ برای حل مسائل سازمانی و فردی؛ علاقمندی افراد به مطرح شدن و مورد تقدیر قرار گرفتن.	ایجاد سبک مدیریت مشارکتی؛ تشکیل گروه‌های کاری رسمی و غیررسمی در سازمان؛ برقراری نظام پاداش و تنبیه عادلانه
نیازهای عقلانی	فراهم‌سازی امکان بهره‌گیری از خلاقیت‌ها و توانایی فکری افراد؛ ایجاد فضای کاری مبتنی بر فضایل اخلاقی؛ امکان رشد و ترقی برای افراد؛ احترام به جایگاه و منزلت افراد.	ایجاد سبک مدیریت حکیمانه در جهت تامین نیازهای بینشی و معرفتی افراد در راستای مصالح افراد و سازمان؛ توسعه فرهنگ سازمانی اخلاقی؛ نظام استخدام و ارتقا مبتنی بر شایستگی.
نیازهای الهی	خودسازی معنوی و دستیابی به کمالات معنوی؛ حس مفید بودن برای جامعه و تلاش برای پیاده‌سازی آرمانهای فردی و سازمانی در مسیر قرب الهی؛ فداکاری و از خود گذشتگی برای جلب رضایت الهی	طراحی سازمان آخرت‌گرا؛ ترویج شعائر و فرهنگ اسلامی در محیط کار؛ ایجاد سبک مدیریت اسلامی

۳۴- امام علی (ع) در خطبه همام، در بیان ویژگی‌های پرهیزکاران می‌فرماید: «به آنکه محرومش ساخته، می‌بخشد» و «در مصیبت‌های دیگران شاد نمی‌شود». این ویژگی‌ها، به ترتیب، بیانگر کدام رفتار شهروندی سازمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است؟

(۱) ایثارگرانه - نجیبانه (۲) مددکارانه - نجیبانه

(۳) تعالی‌گرایانه - مددکارانه (۴) ایثارگرانه - تعالی‌گرایانه

پاسخ: گزینه (۱) ایثارگرانه - نجیبانه

منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۳۴۵ - ۳۴۷

(به سهم خود برای سیستم آموزشی کشور و برای طراح این تست متأسفیم که بجای تست مدیریت از دیدگاه اسلام، تست حافظه طراحی کرده‌اند آن هم از منبعی خاص! ولی به هر حال همین‌ه دیگه! باید برای چنین تست‌هایی خود را آماده کنید؛ آن هم برای ورود به مقطع دکتری مدیریت!!) پس لطفاً به پاسخ سوال توجه فرمایید:

- **رفتار خدامحورانه (خداپسندانه):** فرو بستن چشمان خود بر آنچه خدا حرام کرده (پرهیز از حرام)، معادگرایی (از شوق دیدار بهشت و از ترس عذاب جهنم مشتاق جدایی روح از بدن هستند)، خداباوری (خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند)، دل‌های اندوهگین، عبادت و شب زنده‌داری با نماز و قرآن خواندن با تفکر، دانشمندانی بردبار و نیکوکار که ترس الهی آنها را لاغر و نحیف نموده است، ایمانی پر از یقین، دینش حفظ شده.
- **رفتار ایثارگرانه :** ناخشنودی از اعمال اندک و زیاد نشمردن اعمال زیاد، متهم نمودن نفس خود و ترسناک از کردار خویش، هراسناک شدن از خود، محروم‌سازی نفس در مواردی که فرمان نبرد، عفو ستمکار خود، به آن که محرومش ساخته می‌بخشد، به آن که با او بریده می‌پیوندد، اعتراف به حق قبل از گواهی بر ضد او، اگر ستمی به او کنند صبر می‌کند تا خدا انتقام او را بگیرد، برای قیامت خود را به زحمت می‌اندازد ولی مردم را به رفاه و آسایش می‌رساند.
- **رفتار مددکارانه:** مردم به خیرش امیدوار و از آزارش در امان، نیکی‌های او به همه رسیده، نفس او از دستش در زحمت ولی مردم در آسایش‌اند، دوری او از برخی مردم از روی زهد و پارسایی و نزدیک شدنش با برخی دیگر از روی مهربانی و نرمی است به گونه‌ای که دوری او از روی تکبر و نزدیکی‌اش از روی نیرنگ نمی‌باشد.
- **رفتار نجیبانه:** راست‌گویی (سخنان راست)، تواضع و فروتنی (در رفتار، در راه رفتن ...)، مردم از آزارشان در امان، نفسشان عقیف، دامن‌شان پاک، بردباری، فروتنی قلب، شهوتش در حرام مُرده، خشمش فروخورده، از سخن زشت دور، گفتارش نرم، بدی‌های او پنهان، کار نیکش آشکار، آزارش به کسی نمی‌رسد، در سختی‌ها آرام، در ناگواری‌ها بردبار، در خوشی‌ها سپاسگزار، مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خواند، همسایگان را آزار نمی‌رساند، در مصیبت‌های دیگران شاد نمی‌شود، اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی‌کند، اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی‌شود.
- **رفتار تعالی‌گرایانه:** کسب دانش سودمند (گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند)، حریص در کسب دانش، شادمان در راه هدایت، ترسان و شادمان (ترس برای اینکه دچار غفلت نشود و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است، آنچه را به او تذکر داده‌اند فراموش نمی‌کند).
- **رفتار قناعت‌گرایانه:** تن‌هایشان لاغر، درخواست‌هایشان اندک، صبر در دنیا برای کسب آسایش جاودانه آخرت، فریب نخوردن از دنیا، در جستجوی کسب حلال، در تهیدستی آراسته، پرهیز از طمع‌ورزی، ترک چیزهایی که جاودانه نیست، آرزوهای نزدیک، قانع بودن نفس، کم خوراک، کارش آسان!
- **رفتار اعتدال‌گرایانه:** میانه‌روی، ثبات رفتار (در روزگار سختی و گشایش حالشان یکسان است)، نیرومند در دینداری، نرم‌خو و دوراندیش، آمیختن بردباری با علم و سخن با عمل، لغزش‌های اندک، به آن که دشمن دارد ستم نکند، نسبت به آن که دوست دارد به گناه آلوده نشود، ضایع نساختن آنچه به او سپرده‌اند، دخالت نکردن در کار ناروا، از محدوده حق خارج نمی‌شود.

۳۵- از دیدگاه امام علی (ع) ابزار ریاست و مدیریت چیست؟			
۱) نصیحت	۲) مشورت	۳) عدالت	۴) سعه صدر
پاسخ: گزینه ۴) سعه صدر			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سید محمد مقیمی، ص ۵۰۴ و ۵۰۵ – فلش کارت ۲۶۲			

- **سبک رهبری صبورانه:** قوم حضرت یونس (ع) با وی لجاجت کردند و پس از چهل سال تبلیغ، تنها دو نفر به او ایمان آوردند. یونس (ع) از این رو مردم را نفرین کرد و سوار کشتی شد و رفت و خداوند به سبب این عجله و اینکه زود مردم را نفرین کرد، او را در شکم ماهی گرفتار کرد.

حلم به معنی مدیریت هیجان نفس و کنترل سرکشی غضب و جلوگیری از بروز حرکت و عکس‌العملی که برخاسته از غضب باشد است. دو حالت حلم عبارتند از: **عفو** (عدم مواخذه و بازخواست در برابر نافرمانی و گناه) و **صفح** (نادیده گرفتن و توجه نکردن به نافرمانی و گناه)

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «حدود را با وجود شبهات منتفی سازید». عفو و گذشت زمانی مستحب است که زیان کار بد و خلاف متوجه شخص عفوکننده باشد و اگر زیانش به گروهی از مردم یا شرع مقدس رسیده باشد، در صورتی که شبه‌ای در آن باشد، حاکم می‌تواند آن را عفو کند و در صورتی که شبه‌ای در کار نباشد، گاهی نباید عفو کرد. خداوند در آیه ۲ سوره نور می‌فرماید که در اجرای حکم الهی رأفت نداشته باشید. البته توجه داشته باشید براساس آموزه‌های قرآنی کسی که در پی عقاب کردن خلافکاران است نباید همچون درندگان انتقام بگیرد بلکه باید صبر کند تا خشمش فرو نشیند تا مبادا زیاده‌روی کند. فلسفه اینکه معمولاً مجرم را به زندان می‌اندازند تا فرصتی پیش آید که در جرم او بیشتر مطالعه کنند همین است. نقل است که می‌گویند حاکم یک چیزی را باید به تأخیر بیندازد و یک چیزی را نباید به تأخیر بیندازد؛ آن چیزی را که باید به تأخیر بیندازد عقوبت شخص خلافکار و آن چیزی را که نباید به تأخیر بیندازد پاداش شخص نیکوکار است.

برخی مولفه‌های اصلی مدیریت صبورانه را می‌توان از فرمایشات مولای متقیان حضرت علی (ع) چنین استخراج کرد:

- **سعه صدر** (سعه صدر به معنای فراخی سینه و بردباری در سختی‌ها) ابزار مدیریت است
- **پرهیز از لجاجت** (لجاجت، تدبیر را سست می‌کند)
- **شکیبایی در مسائل مدیریت** (کسی که به ریاست می‌رسد باید بر رنج اداره مملکت و رعیت‌داری صبر کند)

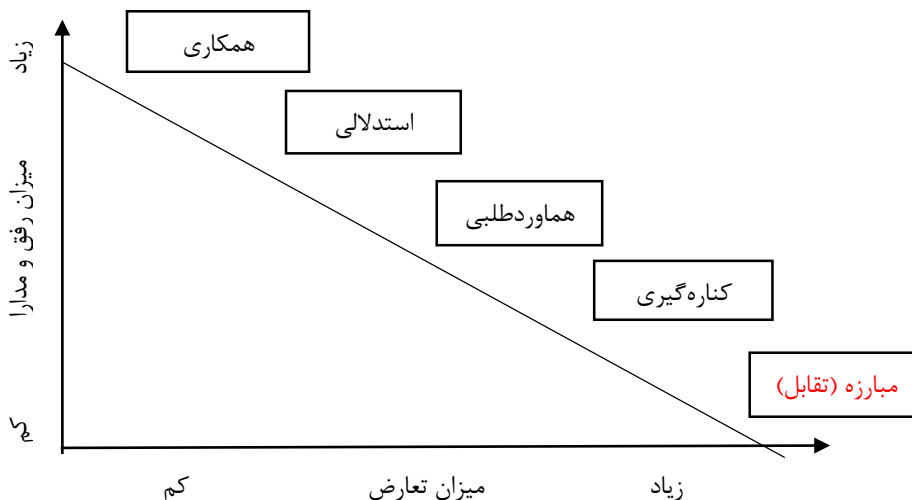
**فروشناندن خشم با یاد قیامت** (امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست و تندی زبانت را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتابزدگی و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرونشیند و اختیار نفس در دست تو باشد. و تو بر نفس مسلط نخواهی شد، مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا»)

۳۶- طبق آیات قرآن کریم، اگر میزان تعارض زیاد و میزان وفق و مدارا کم باشد، راهبرد مناسب برای مدیریت تعارض کدام است؟

(۱) کناره‌گیری و انزوا	(۲) مبارزه و تقابل	(۳) هم‌وردطلبی	(۴) استدلالی
پاسخ: گزینه ۲ (مبارزه و تقابل)			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۴۴۶ و ۴۴۷ – فلش کارت ۲۳۴			

حضرت ابراهیم (ع) می‌کوشید تا با نفوذ در بت‌پرستان و جلب اعتماد آنها زمینه را برای خداپرستی و توحیدگرایی بت‌پرستان از طریق استدلال منطقی فراهم سازد که این نحوه مدیریت تعارض را می‌توان «مذاکره مبتنی بر اصل همدلی» نامید. اینکه حضرت ابراهیم (ع) فرمود «هَذَا رَتِي» برای آن بود که خود را جاری مجرای موقعیت آنان قرار دهد و از زبان آنان سخن بگوید و آنگاه فساد رای آنان را با احتجاج ثابت کند.

نکته:



انواع راهبردهای مدیریت تعارض مبتنی بر آیات ۱۸ تا ۲۲ سوره دخان براساس مواجهه حضرت موسی (ع) با فرعونیان

۳۷- در کدام رویکرد به مدیریت اسلامی، رابطه علم مدیریت اسلامی با سایر نظریه‌ها، رابطه امتزاج است؟			
(۱) تاسیسی	(۲) تهذیبی	(۳) استنباطی	(۴) وحدت‌گرایی
پاسخ: گزینه (۲) تهذیبی			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۹۷ - فلش کارت ۷۶			

در خصوص علم دینی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که این دیدگاه‌ها را می‌توان به علم مدیریت اسلامی تعمیم داد شامل:

(۱) **وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی:** مراد از وحدت‌گرایی معرفت‌شناختی این است که دانش بشری سنخیتی واحد و یک‌دست دارد و مشخصه آن نیز «تجربی بودن» است. بر این اساس دین اصولاً از حوزه دانش خارج است و خود نیز فاقد ماهیت دانشی است. مراد از کثرت‌گرایی این است که معرفت بشری بافتی یک‌دست ندارد بلکه همچون موجودی چهل تکه است که هر تکه آن، بافت خاص خود را دارد. براساس دیدگاه کثرت‌گرایی پاره‌های مختلف معرفت از یکدیگر مستقل‌اند و سنخیت یا تداخلی باهم ندارند. در رویکرد کثرت‌گرایی، معرفت دینی نیز گونه‌ای از معرفت است که با معرفت علمی نسبت تباین و تغایر دارد. براساس این دو موضع معرفت‌شناختی (وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی)، تعبیر علم دینی بی‌معنا تلقی می‌شود.

(۲) **رویکرد استنباطی:** این رویکرد در علم دینی مبتنی بر دین‌شناسی دایره المعارفی است. براساس دین‌شناسی دایره المعارفی، دین حاوی علوم و دانش‌های مختلفی است که انسان به آنها نیاز دارد. در باب اشتغال دین نسبت به علوم و دانش‌ها دو نظر وجود دارد: در نظر نخست دین همه علوم را با همه جزئیات آنها دربر دارد و در نظر دوم عقیده بر آن است که اصول کلی همه علوم در دین موجود است. براساس نظر نخست باید کوشید با مطالعه دقیق متون دینی، مواد علم مورد نظر را از آنها استخراج نمود و سپس با سازمان‌دهی آنها، پیکره علم مورد نظر را سامان بخشید. براساس این دیدگاه علم دینی به طور کامل «اکتشافی» است و محل اکتشاف آن، متون دینی می‌باشد.

براساس نظر دوم فراهم آوردن علم دینی در گرو آن است که اصول و کلیات آن از متون دینی استخراج شود و سپس با شیوه‌های استنباطی، جزئیات آن مشخص گردد در این حالت، علم دینی به طور کامل اکتشافی نیست، بلکه «اکتشافی - استنتاجی» است؛ یعنی باید به کمک اصول و کلیات دین، فروع و جزئیات را استنباط و مشخص نمود. در خصوص این رویکرد دین، دایره المعارف نیست یعنی عهده‌دار بیان علوم مختلف دیگر اعم از علوم تجربی یا طبیعی یا انسانی نمی‌باشد. در این دیدگاه دین عهده‌دار ارائه همه علوم و معارف نیست و به منزله سخنان متفاوتی می‌تواند با سایر معارف بشری تعامل ورزد و در تکوین علوم تجربی مشارکت داشته باشد که لازمه چنین امری آن است که آموزه‌های دینی نقشی الهام بخش و پیش‌فرض‌گونه در ساختن فرضیه‌های علمی داشته باشند. در این رابطه علامه طباطبایی معتقد است: «چنین نیست که هرچه بخواهیم در قرآن باشد، بلکه در قرآن چیزی است که در رابطه با هدایت است.»

در بخشی از آیه ۸۹ سوره نحل آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»؛ «و این کتاب را بر تو فرو فرستادیم در حالی که بیان رسا و روشن‌گر هر چیزی (از علوم و معارف) است و سراپا هدایت و رحمت و مایه بشارت برای مسلمانان است». وجود همه چیز در قرآن بدان معنا نیست که قرآن دایره المعارف علوم و فنون است، بلکه مقصود آن است که کلیات مربوط به هدایت بشر در قرآن آمده است. بنابراین بر اساس آموزه‌های این آیه مبارکه، برنامه‌های کلی زندگی را باید از قرآن گرفت.

(۳) **رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود:** تلقی دیگر از علم دینی این است که باید علوم موجود با نظر به اندیشه اسلامی از ناخالصی‌ها و انحرافات پیراسته گردد. در این مورد باید دقت داشت که آیا اصولاً پیش‌فرض‌های فلسفی و فکری نظریه علمی مورد نظر با بنیان‌های اندیشه اسلامی همخوانی دارد یا نه؟ که اگر نداشته باشد معجونی شکل خواهد گرفت حاوی پاره‌های ناهمساز معرفتی که بهم الصاق شده‌اند.

مشکل دیگر این رویکرد آن است که امکان تطبیق تکلف‌آمیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که به‌منظور مطابق دانستن یک آیه یا روایت با فرضیه مورد نظر، گاه معناها و برداشت‌های عجیب و غریبی از آن آیه یا روایت مستفاد می‌شود و یا به قسمتی از آیه و مطالب کوتاه و مجمل از متون دینی استناد می‌گردد.

این امکان هم وجود دارد که احساس بی‌نیازی کاذبی را در افراد به وجود آورد که در متون دینی به اندازه کافی در باب موضوع مورد نظر سخن گفته شده است.

استفاده از این رویکرد در مواردی حتی می‌تواند منجر به وهن اسلام شود؛ به‌طوری که قرار گرفتن یک آیه یا روایت در کنار نظریه‌های علمی با مباحث تفصیلی و دقیق منجر به سبک ساختن دین و متون دینی گردد و این تصور نادرست را در مخاطب ایجاد کند که دین به اشاراتی کوتاه بسنده کرده در حالی که دانشمندان علمی در همان زمینه مباحث دقیق و مطالب فراوانی ارائه کرده‌اند.

**براساس رویکرد تهذیب، رابطه علم دینی با سایر نظریه‌ها رابطه «امتزاج» است؛** یعنی اگر بخواهیم از علم دینی صحبت کنیم باید نظریه‌های غربی را تهذیب کنیم و آنچه را که در اندیشه دینی ما وجود دارد، در خلأهای موجود در آنها بیفزاییم. درواقع، طبق رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود، با غربال کردن علوم کنونی از عناصری که با اندیشه دینی منافات دارند و افزودن عناصر مطلوب به آن، علم دینی ساخته می‌شود.

در جوامعی همچون مالزی از این رویکرد تحت عنوان «**اسلامی‌سازی دانش**» نام برده می‌شود و افرادی همچون الفاروخی و العطاس، اسلامی کردن علوم را مطرح کرده‌اند و از آن با عنوان نگرش تهذیبی در علم دینی یاد کرده‌اند. این دیدگاه در معرض مخاطره التقاط قرار دارد؛ زیرا نمی‌شود اندام یک علم را از آن جدا کرد و چیز دیگری را به جای آن پیوند زد؛ رگ و پی پیش‌فرض در این پیکره، آنچنان عمیق و نافذ است که معمولاً افراد را دچار التقاط می‌کند.

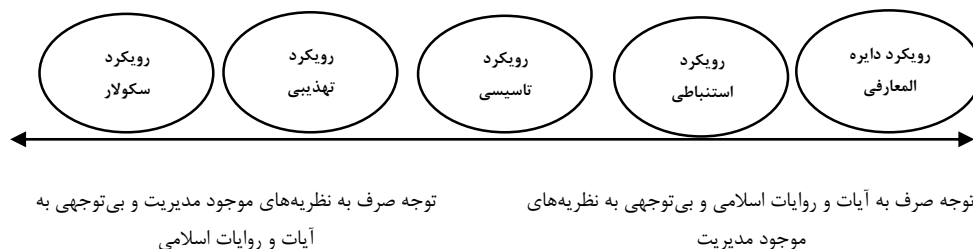
۴) **رویکرد تاسیسی:** نوع مقبول پیوند میان علم و دین در علم دینی را تحت عنوان رویکرد تاسیسی مورد بحث قرار می‌دهند. مراد از این رویکرد آن است که علم دینی همچون هر نوع تلاش علمی دیگری باید در پرتو قدرت الهام‌بخشی پیش‌فرض‌های دینی از یک سو و تلاش تجربی از سوی دیگر، تکوین یابد. در رویکرد تاسیسی کار دانشمند، پردازش فرضیه‌های علمی با الهام گرفتن از پیش-فرض‌های دینی است. بدین ترتیب فرضیه‌ها دو بعدی می‌شوند: از یک جهت متعلق به عالم هستند و از جهت دیگر تعلق به دین دارند، زیرا منبع الهام آنها آموزه‌های دینی است. در صورتی که فرضیه‌های علمی در تناقض با آموزه‌های دینی باشند، در معرض ابطال قرار می‌گیرند. در این صورت علم دینی امری است که محتاج تأسیس خواهد بود. پیش‌فرض‌ها مجموعه گزاره‌هایی است که اغلب جنبه متافیزیکی دارند و به نحوی زمینه‌ساز یک علم هستند. فرضیه‌های یک علم که قرار است بعداً به آزمون تجربی گذاشته شود، مبتنی بر این‌گونه گزاره‌ها است.

براساس رویکرد تاسیسی، اگر علم دینی بخواهد تحقق پیدا کند باید مراحل زیر را پشت سر بگذاریم:

- اولاً آموزه‌های دینی را به منزله پیش‌فرض‌های یک علم تجربی در نظر بگیریم.
- ثانیاً در ساختن فرضیات از این پیش‌فرض‌ها الهام بگیریم.
- ثالثاً این فرضیه‌ها را به صورت تجربی مورد آزمایش قرار دهیم.

اگر بتوانیم متناسب با هر علمی پیش‌فرض‌هایی را از متون دینی استخراج کنیم، آنگاه می‌توانیم از تحقق علم دینی سخن به میان آوریم.

لطفاً توجه داشته باشید در رویکرد تاسیسی، محقق با استفاده از پیش‌فرضی که از دین گرفته است فرضیه‌ای را مطرح می‌کند نه این که یک آیه قرآن را به عنوان فرضیه علمی در نظر بگیرد که این اهانت به قرآن کریم و سطحی‌نگری است.



۳۸- معیار قضاوت در مورد ارزش یک رفتار در نظام ارزشی اسلام چیست؟			
(۱) حسن فعلی و فاعلی	(۲) فراگیری و شمول	(۳) انسجام درونی	(۴) قابلیت تبیین عقلانی
پاسخ: گزینه (۱) حسن فعلی و فاعلی			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۳۰۹ - فلش کارت ۱۹۰			

کارهای اختیاری که از انسان صادر می شود دارای دو جزء است:

۱. ظاهر، عمل و نمود خارجی آن

۲. پشتوانه معنوی عمل یا نیت

در روایات آمده است «النَّيْتُ اَسَاسُ الْعَمَلِ» و «الْعَمَلُ بِالنِّيَّاتِ» یعنی نیت پایه و اساس عمل است. حسن فاعلی بر حسن فعلی برتری دارد تا کاری زیربنای محکمی نداشته باشد، نتیجه ای مطلوب و مقبول و قابل اعتماد نخواهد داشت. اینکه در اسلام برای نیت اهمیت ویژه ای قائل شده اند، به این دلیل است که نیت پشتوانه علمی و فکری کار است. اگر کاری ارادی و اختیاری انجام شود، لازمه آن علم و آگاهی است.

۳۹- آیه ۴ سوره نور (و کسانی که زنان پاکدامن را به زنا نسبت دهند، آنگاه چهار گواه بیاورند؛ پس هشتاد تازیانه بزنیدشان و هرگز گواهی آنها را نپذیرند و آنانند بدکاران نافرمان)، بیانگر کدام اصل کنترل و نظارت در سازمان های آخرت گراست؟			
(۱) اتهام زدایی	(۲) تساهل در مجازات	(۳) مستندسازی در نظارت	(۴) تطهیر خطاها از طریق نیکی ها
پاسخ: گزینه (۳) مستندسازی در نظارت			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۵۴۲ و ۵۴۳			

اصول کنترل و نظارت سازمانی در سازمان های آخرت گرا:

۱. اصل نظارت الهی
۲. اصل پاداش و تنبیه به صورت توانمند
۳. اصل توبه پذیری و بخشش
۴. اصل تناسب جرم با مجازات
۵. اصل شکیبایی در مجازات
۶. اصل تساهل در مجازات
۷. اصل انتفاع عامه و اصل انعطاف در اعمال جرائم انضباطی
۸. اصل تضایف در کنترل
۹. اصل تطهیر خطاها از طریق نیکی ها
۱۰. اصل اتهام زدایی
۱۱. اصل مستندسازی در نظارت
۱۲. اصل قاطعیت در اجرای تنبیهات
۱۳. اصل عدالت در پاداش

- اصل نظارت الهی: خداوند بر همه چیز احاطه و همه جا حتی در درون جان انسان ها حضور دارد پس افراد باید مراقب کردار خود باشند. حضور خداوند در همه جا و در هر زمان و در درون و برون انسان ها ایجاب می کند که نه فقط اعمال بلکه نیت و عقاید را مورد توجه قرار دهیم که در صحنه محشر که «یوم البروز» است همه بازگو خواهند شد. برای هر انسانی فرشتگانی مراقب و محافظ قرار داده شده اند که اعمال او را ثبت و ضبط می کنند.

گسترش چنین دیدگاهی بر اندیشه افراد سبب اهمیت یافتن کنترل‌های درونی در سازمان خواهد شد.

- **اصل پاداش و تنبیه به صورت توامان:** در قرآن کریم ابشار و انذار توامان مطرح شده و پیامبران به عنوان بشارت‌دهنده (مُبَشِّر) و بیم‌دهنده (مُنْذِر) معرفی شده‌اند؛ و تشویق مقدم بر تنبیه است.

در عین اینکه باید به آموزش و رحمت الهی امیدوار بود، باید از کیفر الهی هراسید و تقوا پیشه کرد. با الهام از آموزه‌های قرآن کریم در نظام کنترل و نظارت سازمانی باید جاذبه و دافعه را به صورت توامان ایجاد نمود که در غیر این صورت به فرمایش امام علی (ع) نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند. آن حضرت در جای دیگری می‌فرمایند: «بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن».

- **اصل توبه‌پذیری و بخشش:** بازگشت و توبه گناهکاران همراه با اصلاح گذشته و آشکار کردن حقایق دانسته شده است. پس از توبه باید گذشته را جبران و اصلاح کرد و توبه حق‌پوشان با بیان آشکار حقایق تکمیل می‌شود.

توبه عبارت است از دست کشیدن از گناه که کمترین مرتبه آن پشیمانی از گناه است. عمل صالح و کار شایسته می‌تواند پایداری توبه را تضمین کند و توبه را در دل و جان مستقر می‌سازد. تبدیل گناهان به نیکی‌ها در صورت توبه به معنای این است که اگر انسان توبه کند، نفسش پاک می‌شود و آثار ناخوشایند آن نیز پاک و نیکو خواهد شد. به عقیده راغب اصفهانی تمام تقصیرها و عذرهای آدمی از سه صورت خارج نیست: یا می‌گوید چنین نکرده‌ام؛ یا می‌گوید به جهت فلان امر آن عمل را انجام داده‌ام و در واقع وجهی را بیان می‌کند که فعلش را از گناه بودن خارج سازد؛ و یا می‌گوید چنان کرده‌ام و دیگر مرتکب آن عمل نمی‌شوم؛

در دو صورت اول برائت از گناه برایش حاصل است و در صورت سوم مورد آموزش می‌باشد؛ قسم سوم را توبه گویند. شرط واجب و اصلی توبه ترک گناه و تصمیم جدی بر عدم بازگشت به آن است و شرط مستحب آن پشیمانی و تأسف بر گناهان گذشته و طلب آموزش برای آن و ترک بعضی از مباحات به جهت جبران مافات و مقابله با لذت احتمالی حاصل از گناه و نافرمانی است. برای گناهکاری که توبه واقعی می‌کند از سه جهت بر کسی که اصلاً گناه نمی‌کند فضیلت و برتری است:

۱. گناه را تجربه کرده و محل نفوذ شیطان در انسان را یافته و از این پس از آن مهلکه‌ها احتراز می‌کند و کسی که شری را نشناسد ممکن است راحت‌تر بدان گرفتار شود.
۲. کسی که توبه کرده همواره با حالتی دل‌شکسته و خائف در پیشگاه خدا قرار دارد در حالی که بر شخصی که گناه نکرده این امکان وجود دارد که به غرور بیفتد و اعمال خویش را بزرگ ببیند.
۳. خداوند نسبت به گناهکاری که تلخی توبه را چشیده باشد، مهربان است.

براساس آیات قرآن کریم، ایجاد امیدواری در افراد برای بخشش اشتباهات، ضرورت توبه و اصلاح قبل از کشف جرم و خطا، اعطای پاداش برای خطاکاران توبه‌کننده‌ای که به کارهای نیک روی آورده‌اند و در پی جبران گذشته هستند، بی‌فایده بودن شفاعت دیگران برای افراد نافرمان و سرکش، بخشش خطاکاران جاهل مشروط به اصلاح اشتباهات، اجتناب از تنبیه مشروط بر توبه افراد قبل از فاش شدن خطا و ... از جمله نتایج و برکات توبه می‌باشد. ضمناً توجه داشته باشید که سرعت پشیمانی و بازگشت در پذیرش توبه موثر است.

مدیران سازمان باید با الهام از فرهنگ توبه‌پذیری این فرصت را برای اعضای سازمان فراهم آورند تا خودشان به اشتباهاتشان پی برده و در صدد جبران آن برآیند و مدیریت به جای تحقیر افراد، فرصت لازم برای جبران را برای ایشان مهیا سازد. یکی دیگر از قواعد اصل توبه براساس آموزه‌های قرآنی، اعطای پاداش به خطاکاران توبه‌کننده‌ای است که به کارهای نیک روی آورده‌اند.

- **اصل تناسب جرم با مجازات:** حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چالپوسی و کمتر از آنچه سزاوار است درماندگی یا حسادت است.»

فارابی معتقد است که برای بازداشتن افراد از افعال قبیح باید در برابر لذت حاصل از آن فعل، رنجی پدید آوریم که از آن لذت افزون باشد. همچنین فارابی برای افعال قبیح سهوی یا افعالی که از روی اختیار نباشد کیفری در نظر نمی‌گیرد. وی می‌گوید باید کسانی که از حدود عادلانه تجاوز می‌کنند، عقوبتی متناسب با جرم خویش دریافت کنند تا از تخلف جلوگیری و حقوق افراد در اجتماع تعیین گردد.

- **اصل شکیبایی در مجازات:** شکیبایی و استواری راه سربلندی در آزمایشات الهی است.

استدراج به معنی به تدریج و پله پله پایین آوردن است. استدراج خداوند درباره تکذیب‌کنندگان رسالت پیامبر (ص) این است که پی در پی به آنان نعمت می‌بخشد تا بدان سرگرم شوند و به پست‌ترین مراحل شقاوت و تیره‌بختی برسند و در ورطه هلاکت افتند. خدا براساس سنت استدراج به بدکاران و منکران مهلت می‌دهد تا بر گناهان خود بیفزایند و گرفتار آتش شوند.

- **اصل تساهل در مجازات:** خداوند آمرزنده است و خطاکارانی را که آگاه شوند می‌بخشد. جوانمردی و بخشش در اوج قدرت را می‌توان در داستان حضرت یوسف (ع) آموخت که در مقام عزیز مصر برادرانش را هیچ سرزنش نکرد.

جمعی از صحابه امیرالمومنین حضرت علی (ع) پس از آنکه با ایشان بیعت کردند گفتند: چه شود اگر کسانی را که بر عثمان شوریدند کیفر دهی؟ امام علی (ع) در بخشی از پاسخ خود می‌فرمایند: «و من تا آنکه که مدارا سودمند افتد، این مهم را به مدارا از میان برخوام داشت و چون چاره‌ای نیابم، داغ کردن آخرین علاج است.»

• **اصل انتفاع عامه و اصل انعطاف در اعمال جرائم انضباطی:** اصولاً تمام کفارات جنبه بازدارندگی و تربیتی دارد. هر کس گناهی مرتکب شود باید متناسب با آن جریمه دهد. تعیین مجازات مالی برای برخی جرم‌ها، ضمن آنکه سازوکار مناسبی برای جلوگیری از تکرار انحرافات از استانداردهای رفتاری و عملکردی است، باعث انتفاع افراد نیازمند جامعه نیز می‌شود. جریمه‌ها باید طوری تنظیم شود که در تصفیه روح و تهذیب نفس اثری عمیق برجای گذارد (همانند روزه) و به نوبه خود جلوی تکرار این گونه اعمال را در آینده بگیرد. علاوه بر آن در تعیین جریمه‌ها، نفع اجتماعی و اقتصادی برای سایر افراد (آزادی برده، اطعام فقرا) نیز لحاظ شده است. از آنجا که آزاد کردن یک برده برای همگان امکان‌پذیر نیست (به دلیل ناتوانی مالی و در دسترس نبودن برده) لذا جهانی و جاودانه بودن اسلام ایجاب می‌کند که اقدامات تنبیهی جایگزینی را مشخص کند (روزه گرفتن و اطعام شصت فقیر). جبران گناهان به وسیله کفارات پایه‌های ایمان را محکم می‌کند و انسان را نسبت به مقررات الهی پایبند می‌سازد. این قوانین و مقررات را «حدود الهی» می‌نامند که عدم رعایت آنها مستوجب عذاب است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. قوانین و مقررات اسلام، «حدود الهی» هستند که عدم رعایت آنها عذاب دردناکی خواهد داشت.
۲. برای تنبیه مجرمان باید گزینه‌های تنبیهی متنوعی را در نظر گرفت که امکان انعطاف متناسب با شرایط خطاکاران وجود داشته باشد.
۳. تنبیهات باید جنبه ارتقاء یابندگی داشته باشد. این ارتقاء می‌تواند شامل خطاکار (تهذیب نفس از طریق روزه گرفتن) و شامل سایر افراد جامعه (رهایی بردگان، تقویت بنیه اقتصادی سایر اعضای جامعه که از بضاعت مالی ناچیزی برخوردارند) باشد.

«لَا يُوَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَخْرِيرَ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ «خداوند شما را به سبب سوگندهای لغو نگران بازخواست نخواهد کرد ولی به سبب شکستن سوگندهایی که به قصد می‌خورید، بازخواست می‌کند و کفاره آن اطعام ده مسکین است. از غذای متوسطی که به خانواده خویش می‌خورانید یا پوشیدن آنها یا آزاد کردن یک بنده و هر که نیابد سه روز روزه داشتن، این کفاره قسم است. هرگاه که قسم خوردید به قسم‌های خود وفا کنید، خدا آیات خود را برای شما این چنین بیان می‌کند، باشد که سپاسگزار باشید.» (سوره مائده، آیه ۸۹)

• **اصل تضایف (پاداش مضاعف به نیکوکاران):** «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛ «هر کس کار نیکو کند، او را ده برابر آن خواهد بود و هر کس کار زشت کند، به قدر کار زشتش مجازات شود و بر آنها اصلاً ستم نخواهد شد.» (سوره انعام، آیه ۱۶۰)

نکته قابل توجه در این آیه این است که افراد بابت عملکرد نامناسب خود به همان میزان مورد تنبیه قرار می‌گیرند ولی چنانچه عملکرد مناسبی داشته باشند، ده برابر پاداش خواهند گرفت. (دکتری ۹۵)

از این آیه شریفه می‌توان دریافت:

- ✓ در شیوه تربیتی اسلام، تشویق ده برابر تنبیه است «عَشْرُ امْتَالِهَا»
- ✓ تشویق چند برابر، ظلم نیست، ولی کیفر بیش از حد، ظلم است «فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»
- ✓ خداوند در پاداش با فضل رفتار می‌کند، ولی در کیفر، با عدل «عَشْرُ امْتَالِهَا ... إِلَّا مِثْلُهَا»
- ✓ عمل انسان همیشه و همه جا همراه انسان است «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ ... وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ»

خداوند به نیکوکاران پاداشی بیشتر از کار نیک که انجام داده‌اند می‌دهد و بدکاران را به اندازه گناهشان کیفر می‌دهد؛ اما درباره تخلفات نزدیکان رهبران الهی، هر کس به رهبران الهی منتسب است (زنان پیامبر)، باید بیشتر مراقب اعمال خود باشد و اگر کار ناپسندی انجام دهد، دو برابر مجازات می‌شود (مجازات مضاعف برای خواص). اطاعت‌پذیری و انجام کار نیک از سوی نزدیکان و منتسبان رهبران الهی نیز گاهی پاداش مضاعف برای آنان به دنبال خواهد داشت.

خداوند متعال در آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره اسراء می‌فرماید: «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوْحِيَنا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَةً وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا»؛ «وَلَوْ لَا أَنْ تُبْتَلَا لَقَدْ كُنْتَ تَرَكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا»؛ «إِذَا لَا دَفْعَاكَ ضِعْفُ الْحَيَاةِ وَضِعْفُ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا»؛ «نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه‌های خود) از آنچه بر تو وحی کرده ایم بغریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمی‌گزیدند!»؛ «و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم (مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود اندکی به آنان تمایل کنی.»؛ «اگر چنین می‌کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات آنها) را بعد از مرگ، به تو می‌چشانیدیم؛ سپس در برابر ما، یآوری برای خود نمی‌یافتی!»

بعد از نزول این آیه پیامبر (ص) فرمودند: «خدایا چشم برهم زدنی تا ابد مرا به خود وامگذار». هر قدر مقام انسان بالاتر رود، اعمال نیک او به همان نسبت از عمق و ارزش و ثواب بیشتری برخوردار خواهد بود و کیفرها و مجازات‌ها نیز به همین نسبت افزایش خواهد یافت.

- **اصل تطهیر خطاها از طریق نیکی‌ها:** نیکی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برند. نماز از کارهای شایسته‌ای است که آثار گناهان را که در نفس آدمی پدید آمده، می‌زداید.
- **اصل اتهام‌زدایی:** باید به‌گونه‌ای سخن گفت و رفتار کرد که تهمت خیانت را از دامن خود بزدايد. (مانند هدف حضرت یوسف (ع) از پیگیری علت زندانی شدن که رفع اتهام خیانت از خود بود).
- **اصل مستندسازی در نظارت:** بررسی همه جانبه و ارائه شواهد کافی برای اثبات جرم امری ضروری است. آبروی افراد بسیار مهم است و اتهام بی‌جا و شایعات بی‌اساس مجازات و کیفر شدید به دنبال دارد. اسلام برای اثبات جرم‌های سنگین، شرایط سخت‌گیرانه‌ای

تعیین نموده؛ لذا ضروری است برای اثبات جرم تحقیق و بررسی کافی صورت گیرد. خداوند متعال در آیه ۴ سوره نور می‌فرماید: «و کسانی که زنان پاکدامن را به زنا نسبت دهند آنگاه چهار گواه نیاورند پس هشتاد تازیانه بزنیدشان و هرگز گواهی آنها را نپذیرید، و آنانند بدکاران نافرمان»

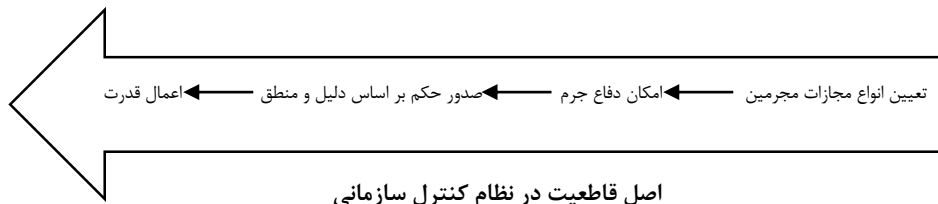
خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «و روزی که در هر امتی گواهی بر آنان از خودشان برانگیزیم و تو را گواه بر اینان - این امت - بیاوریم و ما این کتاب را که بیانی رسا برای هر چیزی و راهنما و بخشایش و مژده برای مسلمانان است بر تو فرو فرستادیم»

هدف از فراخواندن گواهان و برقراری میزان آن است که خداوند برای هرکسی آنچه را که در دنیا انجام داده است، اثبات کند و برای فرجام نیک و بدش دلیل قطعی بیاورد.

• **اصل قاطعیت در اجرای تنبیهات:** اولاً باید گناهان کبیره (خطاهای استراتژیک) معرفی و تعریف شوند.

ثانیاً در کیفر دادن مجرمانی که خطای استراتژیک مرتکب می‌شوند باید قاطعانه برخورد نمود و نباید دچار احساسات کاذب شد.

ثالثاً در خصوص مجازات این‌گونه متخلفین باید اطلاع‌رسانی سازمانی شود تا درس عبرتی برای خطاکاران بالقوه باشد.



اگر چه نظام حقوقی اسلام زیر مجموعه نظام اخلاقی است و اسلام بر نظارت درونی تاکید دارد، اما از نظارت بیرونی نیز غافل نبوده و بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌نماید. از این‌رو نظام اداری و سازمانی و حکومتی باید در برخورد با متخلفان قاطع باشد. اجرای تنبیه و مجازات کارگزاران متخلف دارای دو ضمانت اجرا است: ضمانت اجرای دنیوی و ضمانت اجرای اخروی. البته سیاست نظام اسلامی درباره کارگزاران حکومتی سیاست پیشگیری از جرم (از طریق راهکارهایی چون گزینش، تعیین وظایف، تامین مالی، بازرسی دقیق و ...) می‌باشد.

برای رعایت اصل قاطعیت توجه به مراحل زیر لازم است:

۱. **تذکر:** با تذکر شفاهی یا کتبی گاهی می‌توان از وقوع جرم پیشگیری نمود و حتی به این وسیله کارگزار متخلف را متنبه ساخت (مانند نامه امام علی (ع) خطاب به عثمان ابن حنیف).
۲. **تهدید:** تهدید کارگزار متخلف سبب می‌شود وی بداند که اعمال و رفتار او توسط مدیر بالادست، نظارت می‌شود و در صورت ارتکاب خطا، توبیخ خواهد شد. امام علی (ع) با هر مدیری متناسب با روحیه او برخوردی مناسب داشتند.
۳. **عزل:** در موارد عدم کارآمدی مدیران (مانند عزل محمد ابن ابی‌بکر از فرمانداری مصر و منصوب نمودن مالک اشتر به جای او که امام علی (ع) با ارسال نامه‌ای از محمد ابن ابی‌بکر دلجویی نمودند و وی را به پست دیگری که در آن کارآمد باشد، گماردند)، بی‌لیاقتی مدیران (کمیل ابن زیاد فرماندار شهر مرزی «هیت» بود و علاوه بر اینکه نتوانست جلوی تجاوزات سربازان معاویه را بگیرد، بدون نقشه‌ای حساب شده به شهر «قرقیسا» از شهرهای مرزی شام حمله کرد و بهانه به دست معاویه داد و با این عمل نسنجیده مورد نكوهش و عزل امام علی (ع) قرار گرفت)، خیانت مدیران (مندر بن جارود پس از رسیدن به فرمانداری دست به خیانت و تجاوز به بیت‌المال زد و توسط امام علی (ع) از سمت خود عزل شد) و فساد مدیران (از اولین اقدامات حضرت علی (ع) در اصلاحات اداری، عزل استانداران عثمان، خلیفه سوم بود که بدون در نظر گرفتن صلاحیت آنان صرفاً براساس روابط منصوب شده بودند؛ مثال دیگر نامه امام علی (ع) به معاویه بود که به او فرمان دادند فرمانداری شام را به سهل بن حنیف تحویل داده و به مدینه بازگرد اما معاویه وقت‌کشی کرد و کار بیعت با امام را به تاخیر انداخت و طی نامه‌ای درخواست کرد که فرمانداری‌اش بر شام حفظ شود، ولی امام هرگز زیر بار این خواسته معاویه نرفت) باید آنها را عزل نمود.

از جمله خیانت‌های کارگزاران براساس روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام (ص)، دریافت هدیه و رشوه است و هدایایی که به کارگزاران داده می‌شود، حرام می‌باشد. کارگزاران حکومت هر چه را غیر از حقوقی که از دولت می‌گیرند، از دولت یا مردم دریافت کنند، با هر نام که باشد، حرام است.

۴. **مجازات:** امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر به او فرمان می‌دهند که با کارگزاران خائن برخورد جدی صورت گیرد و به عزل آنان اکتفا نکند.

• **اصل عدالت در پاداش:** محاسبه اعمال انسان حتی اعمالی در حد ذره بر مبنای عدالت خداوندی و سریع‌الحساب صورت می‌گیرد. حتی چنان نیست که بهشتیان یا دوزخیان همه در یک درجه باشند بلکه به تناسب اعمالشان مقامات متفاوتی دارند.

<p><b>اصل نظارت الهی</b></p>	<p>«هرچه در آسمان ها و در زمین است خدای راست، و خدا به همه چیز [دانایی] فراگیر است.» (نساء، ۱۲۶)</p> <p>«ای کسانی که ایمان آورده اید، خدای و پیامبر را پاسخ دهید هنگامی که شما را به چیزی خوانند که زنده تان می سازد- سبب زنده دلی شماست- و [بدانید که] به سوی برانگیخته و فراهم می شوید.» (انفال، ۲۴)</p> <p>«و [تو] در هیچ حالی و کاری نباشی و از آن -از قرآن- هیچ برنخوانی، و [شما مردم] هیچ کاری نمی کنید مگر اینکه آنگاه که به آن می پردازید ما بر شما گواهییم و از پروردگارت همسنگ ذره ای در زمین و در آسمان پوشیده نیست، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر آنکه در کتابی روشن -لوح محفوظ- هست.» (۶۱، یونس)</p> <p>«دانای نپهان و آشکار است، بزرگ و برتر است- از همه چیز و از هر نسبت ناروا.» (۹، رعد) [برای او] یکسان است از شما هر که سخن نپهان دارد و هر که آن را هویدا کند و هر که به شب پنهان شود یا به روز آشکارا رونده باشد.» (۱۰، رعد)</p> <p>«پس همان گونه که مامور شده ای (بر عقاید و اعمال و ابلاغ دینت) پایدار و استوار باش و همچنین کسانی که با تو (به سوی خدا) رو آورده اند، و طغیان نکنید، که همانا او به آنچه به جا می آورید بیناست.» (۱۱۲، هود)</p> <p>«در روزی که خداوند همه آنان را برانگیزد آنگاه بدانچه کرده اند آگاهشان سازد، که خدا آن (اعمالشان) را شمار کرده است و حال آنکه خود از یاد برده اند، و خدا بر هر چیزی گواه است.» (۶، مجادله)</p> <p>«که هیچکس نیست مگر آنکه بر او نگرهبانی هست.» (۴، طارق)</p>
<p><b>اصل پاداش و تنبیه به صورت توامان</b></p>	<p>«ای پیامبر، حقا که تو را گواه و شاهد (اعمال امتت به تحمل شهادت در دنیا و ادای آن در آخرت) و مژده دهنده و بیم کننده فرستادیم.» (۴۵، احزاب)</p> <p>«ما تو را به حق برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم.» (۱۱۹، بقره)</p> <p>«و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداش های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی.» (۲۸، سباء)</p> <p>«بدانید که خدا سخت کیفر است و خدا آمرزگار و مهربان است.» (۹۸، مائده)</p> <p>«و همانا پروردگار تو برای مردم بر ستمکاریشان آمرزش است و همانا پروردگار تو سخت کیفر است.» (۶، رعد)</p>
<p><b>اصل توبه پذیری و بخشش</b></p>	<p>«مگر آنانکه باز آمدند - توبه کردند - و به اصلاح پرداختند و [حق را که پنهان داشته بودند] آشکار ساختند، پس [به مهر و بخشایش خود] بر آنان بازمی گردم و توبه آنها را می پذیرم که من توبه پذیر و مهربانم.» (۱۶۰، بقره)</p> <p><b>ایجاد امیدواری در افراد برای بخشش اشتباهات:</b> «گو ای بندگان من که بر نفس خود ستم و تجاوز نموده اید، از رحمت خدا نومید نشوید که خدا تمامی گناهان را می آمرزد، همانا او آمرزنده مهربان است.» (۵۳، زمر)</p> <p><b>ضرورت توبه و اصلاح قبل از کشف جرم و خطا:</b> «ای کسانی که کافر شدید امروز - روز رستاخیز- عذرخواهید، جز این نیست که برای آنچه می کرده اید کیفر داده می شوید.» (۷، تحریم)</p> <p><b>اعطای پاداش برای خطاکاران توبه کننده ای که به کارهای نیک رو آورده اند و گذشته را جبران کرده اند:</b> «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار نیک و شایسته کنند،</p>

	<p>پس اینانند که خداوند بدی‌هاشان را به نیکی‌ها بدل گرداند، و خدا آمرزگار و مهربان است» (۷۰، فرقان)</p> <p><b>بی‌فایده بودن شفاعت دیگران برای افراد نافرمان و سرکش:</b> «خواهی برایشان آمرزش بخواه یا برایشان آمرزش مخواه، اگر برایشان هفتاد بار آمرزش بخوایی هرگز خدا آنها را نیامرزد. این از آن روست که به خدا و پیامبرش کافر شدند و خدا گروه بدکار نافرمان را راه ننماید» (۸۰، توبه)</p> <p><b>بخشش خطاکاران جاهل مشروط به اصلاح اشتباهات:</b> «سپس پروردگار تو آنان را که بدی به نادانی کردند، آنگاه از پس آن بازگشتند - توبه نمودند- و به کار نیک و شایسته پرداختند، هر آینه پروردگارت پس از آن آمرزگار و مهربان است» (۱۱۹، نحل)</p> <p><b>اجتناب از تنبیه مشروط به توبه افراد قبل از فاش شدن و دستگیری:</b> «مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست بایید توبه کنند، و بدانید که خدا آمرزگار و مهربان است» (۳۴، مائده)</p> <p><b>نادانی و سرعت پشیمانی و بازگشت در پذیرش توبه موثر است:</b> «[قبول] توبه بر خدا تنها برای کسانی است که بدی به نادانی کنند سپس به زودی توبه کنند. آنانکه خدا [به] بخشایش خویش] بر آنان بازگردد و توبه‌شان را بپذیرد و خداوند دانا و حکیم است» (۱۷، نساء)</p>
اصل تناسب جرم با مجازات	<p>حضرت علی (ع) : «ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن درماندگی یا حسادت است»</p> <p>«و در آن تورات بر آنان این حکم نوشتیم که تن را به تن و چشم را به چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان و زخم‌ها را [به برابرش] قصاص است، و هر که آن قصاص را ببخشد این کفاره‌ای برای [گناهان] اوست، و هر که بدانچه خدا فرو فرستاده حکم نکند پس اینانند ستمکاران» (۴۵، مائده)</p> <p>«و چون کسانی را که ایمان آورده‌اند دیدار کنند گویند : ایمان آورده‌ایم، و چون با دیوسیرتان خود تنها شوند گویند: ما با شماپییم؛ ما تنها [اینان را] ریشخند می‌کنیم» (۱۴، بقره) «خداوند آنها را ریشخند می‌کند و مهلتشان می‌دهد تا در سرکشی خویش سرگشته و کوردل بمانند» (۱۵، بقره)</p>
اصل شکیبایی در مجازات	<p>«هر آینه شما در مال‌ها و جان‌هاتان آزموده خواهید شد و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و از کسانی که شرک ورزیده‌اند آزار -زخم زبان- بسیار خواهید شنید. و اگر شکیبایی و پرهیزکاری پیشه کنید، همانا این از استوارترین کارهاست.» (۱۸۶، آل عمران)</p> <p>«پس مرا با کسانی که این سخن -قرآن- را دروغ می‌انگارند واگذار. آنها را اندک اندک و پایه پایه از آنجا که ندانند فرو گیریم - به هلاکت و نابودی کشانیم-» (۴۴، قلم) <i>استدرّاج یعنی به تدریج و پله پله پایین آوردن. استدرّاج خدا درباره تکذیب کنندگان این است که پی در پی به آنان نعمت می‌بخشد تا بدان سرگرم شوند و در ورطه هلاکت افتند.</i></p> <p>«و اگر خدا برای مردم بدی -عذاب- را با همان شتاب می‌خواست که آنان نیکی را می‌خواهند هر آینه مدتشان سپری شده بود - مرگشان با نزول عذاب بر آنها فرا رسیده بود- پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند وامی‌گذاریم تا در سرکشی خود سرگردان بمانند» (۱۱، یونس)</p>
اصل تساهل در مجازات	<p>«گفت امروز بر شما هیچ سرزنش نیست، خدا شما را بیامرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.» (۹۲، یوسف)</p> <p>«اگر از گناهان بزرگی که از آن بازتان می‌دارند دوری کنید بدی‌ها و گناهان [کوچک] شما را از شما بزداییم و شما را به جایگاهی گرمی درآوریم» (۳۱، نساء)</p>

	<p>همچنین پس از آنکه مردم با امام علی (ع) بیعت کردند، جمعی از صحابه گفتند: چه شود اگر کسانی را که بر عثمان شوریدند کیفر دهی؟ امام علی (ع) فرمودند: «و من تا آنگاه که مدارا سودمند افتد، این مهم را به مدارا از میان بخواهیم داشت و چون چاره‌ای نیابیم، داغ کردن آخرین علاج است.»</p>
<p><b>اصل انتفاع عامه و اصل انعطاف در اعمال جرایم انضباطی</b></p>	<p>«و کسانی که زنان خویش را اظهار می‌کنند و سپس از آنچه گفته‌اند برمی‌گردند - تا آن را بشکنند و به همسر خود بازگردند- پیش از آنکه به هم رسند، آزاد کردن برده‌ای باید. این است که بدان پند داده می‌شود، و خدای بدانچه می‌کنید آگاه است.» (۳، مجادله) «و هر که [برده] نیابد- یا نتواند- پس روزه داشتن دو ماه پیایی باید پیش از آنکه به هم رسند؛ و هر که نتواند طعام دادن شصت مستمند باید. این برای آن است که به خدا و پیامبرش ایمان آورید - و دست از احکام جاهلیت بردارید - و این مرزهای - احکام- خداست، و کافران را عذابی است دردناک» (۴، مجادله)</p> <p>«خداوند شما را به سوگندهای بی‌قصد و بیهوده‌تان بازخواست نمی‌کند و لیکن شما را به سبب [شکستن] سوگندهایی که با قصد و نیت یاد کرده‌اید بازخواست می‌کند. پس کفارہ آن غذا دادن ده مستمند است» (۸۹، مائده)</p>
<p><b>اصل تضایف در کنترل</b></p>	<p>«هر کس کار نیکو کند، او را ده برابر آن خواهد بود و هر کس کار زشت کند، به قدر کار زشتش مجازات شود و بر آنها اصلاً ستم نخواهد شد» (۱۶۰، انعام)</p> <p>«برای کسانی که نیکوکار شدند و نیکی کردند، پاداش نیک و فزونی است و چهره‌های آنان را دود سیاه و گرد ذلت و خواری نمی‌پوشاند؛ آنها اهل بهشت‌اند که در آنجا جاودانند» (۲۶، یونس) [پاداش مضاعف]</p> <p>«و کسانی که مرتکب گناهان شده‌اند، کیفر هر گناهی به مانند آن است (نه بیشتر) و ذلت و خواری‌ای آن را می‌پوشاند، هرگز آنان را از (خشم و عذاب) خدا نگهدارنده‌ای نخواهد بود، گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب ظلمانی پوشیده شده! آنان اهل آتش‌اند که در آنجا جاودان خواهند بود» (۲۷، یونس) [این آیه به ما می‌آموزد با بدکاران باید عادلانه و به اندازه گناهشان رفتار کرد]</p> <p>«ای همسران پیامبر، هر کس از شما عمل زشت آشکاری به جا آورد عذاب او به دوچندان اضافه می‌شود و این خداوند آسان است» (۳۰، احزاب) [مجازات مضاعف برای خواص]</p> <p>«و هر که از شما خدا و پیامبر او را با فروتنی فرمان برد و کار نیک و شایسته کند، پاداش او را دوبار بدهیم و برای او روزی نیکو و کریمانه‌ای آماده کرده‌ایم» (۳۱، احزاب) [پاداش مضاعف برای خواص سازمان]</p> <p>«و همانا نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم بلغزانند و بگردانند تا بر ما جز آن را [که وحی کردیم] بربافی و آنگاه تو را به دوستی گیرند» (۷۳، اسراء) «و اگر نه آن بود که تو را استوار داشتیم، نزدیک بود که اندکی به آنان گرایش کنی» (۷۴، اسراء) «آنگاه در صورت گرایش - تو را دو چندان [عذاب] در این زندگی و دوچندان پس از مرگ می‌چشانیم، و آنگاه برای خویش در برابر ما یآوری نمی‌یافتی» (۷۵، اسراء)</p>
<p><b>اصل تطهیر خطاها از طریق نیکی‌ها</b></p>	<p>«که به یقین نیکی‌ها گناهان را از بین می‌برد. این تذکری است برای یادکنندگان» (۱۱۴، هود)</p> <p>«در روزی که شما را فراهم آورد - روز جمع کردن - روز رستاخیز- آن روز، روز زیان است و هر که به خدا ایمان آورد و کار نیک و شایسته کند، بدی‌هایش را از او بزداید و او را به بهشت‌هایی در آرد که جوی‌ها از زیر آن روان است، همیشه و جاودانه در آنجا خواهند بود، این است رستگاری و کامیابی بزرگ» (۹، تغابن)</p>

اصل اتهام زدایی	«[یوسف (ع) به آن یار زندانی گفت] این - درخواست من و بیرون نشدن از زندان - برای آن است تا [عزیز مصر] بداند که من در نهان به او خیانت نکرده‌ام و خداوند نیرنگ خائن را به مقصد نمی‌رساند» (۵۲، یوسف)
اصل مستندسازی در نظارت	«و کسانی که زنان پاکدامن را به زنا نسبت دهند آنگاه چهار گواه نیاورند پس هشتاد تازیانه بزنیدشان و هرگز گواهی آنها را نپذیرید، و آنانند بدکاران نافرمان» (۴، نور) [دکتری ۹۷]  «و روزی که در هر امتی گواهی بر آنان از خودشان برانگیزیم و تو را گواه بر اینان - این امت - بیاوریم و ما این کتاب را که بیانی رسا برای هر چیزی و راهنما و بخشایش و مژده برای مسلمانان است بر تو فرو فرستادیم» (۸۹، نحل)
اصل قاطعیت در اجرای تنبیهات	«زن و مرد زناکار را هریک صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید، مبادا شما را در دین خدا درباره آن دو مهربانی و دلسوزی بگیرد و باید که گروهی از مومنان مجازات آن دو را شاهد و گواه باشند» (۲، نور)  «و مرغان را جویا شده گفت: مرا چیست که هدهد را نمی‌بینم یا مگر از غایبان است؟» (۲۰، نمل) «هر آینه او را شکنجه‌ای سخت کنم یا سرش را ببرم یا مرا حجتی روشن و آشکار بیاورد» (۲۱، نمل)
اصل عدالت در پاداش	«و هر کدام [مومن و کافر] را پایه‌هایی است از آنچه کرده‌اند تا به آنان کارهایشان را تمام بدهد و به ایشان ستم نخواهد شد» (۱۹، احقاف)  «امروز هرکسی بدانچه کرده است پاداش داده شود، امروز هیچ ستمی نیست، همانا خدا زود حساب است» (۱۷، غافر)  «و کیفر بدی، بدی‌ای باشد مانند آن - نه بیشتر - پس هر که درگذرد و اصلاح کند پاداش او بر خداست. همانا او ستمکاران را دوست ندارد» (۴۰، شورا)

۴۰- در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر، کدام گروه جامعه در اجرای عدالت از همه ناراضی تر، بر خواسته‌ها پافشارتر و در برابر مشکلات استقامت کمتری دارند؟			
(۱) عوام	(۲) بازرگانان	(۳) کارگزاران	(۴) خواص
پاسخ: گزینه ۴) خواص			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۱۷۱- فلش کارت ۱۱۴			

مدیر باید به دنبال جلب رضایت عامه مردم باشد، ولو اینکه خواص از اقدامات وی ناراضی باشند. حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاری‌شان کمتر، در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، در خواسته‌هایشان از همه مصرتر، در بخشش‌ها از همه کم‌سپاس‌تر، در برابر مشکلات از همه کم‌استقامت‌تر ... هستند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پر شور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند؛ پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.»

۴۱- کدام اندیشمند مدیریت اسلامی را به عنوان بنیانگذار مطالعه تطبیقی در فرهنگ بشری می‌دانند؟			
(۱) ابو علی سینا	(۲) ابونصر فارابی	(۳) خواجه نظام الملک	(۴) ابوریحان بیرونی
پاسخ: گزینه ۴) ابوریحان بیرونی			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۱۰۷- فلش کارت ۸۱			

دولت آرمانی و مطلوب از نظر ابوریحان بیرونی (که جرج سارتن وی را یکی از بزرگترین دانشمندان ادوار تاریخ می‌نامد) «دولت عقل» است که در آن شایستگان و نخبگان حکمرانی می‌کنند. بیرونی بین دین و عقل یا به تعبیر امروزی بین دین و دولت جدایی قائل نیست. وی معتقد است مشروعیت دولت وقتی با دین توأم گردد بیشتر می‌شود. در دیدگاه بیرونی مشروعیت (در معنای حقانیت) به دو عنصر «عقل» و «دین» باز می‌گردد. به زعم بیرونی تنها تکالیف و مقررات الهی است که طبع عصیانگر بشر را کنترل می‌کند. ابوریحان جامعه سیاسی بدون معصوم (ع) را کامل نمی‌داند، اما برای دولت‌هایی که دارای عدالت نسبی باشند و در پی صیانت از دین و تامین امنیت و آسایش مردم باشند، مشروعیت قائل است. ماهیت دولت از دیدگاه بیرونی مشروعیت دوگانه دارد (عقل و دین) که وی اولویت را به دین می‌دهد.

روش مقایسه‌ای ابوریحان بیرونی (مقایسه نهادها و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی) در کتاب «تحقیق ماللهند» بازتاب یافته است که در آن به مطالعه مقایسه‌ای ادیان یونان، ایران و هند پرداخته است که حاصل سفر اجباری وی به هند (ناشی از لشکرکشی‌های سلطان محمود غزنوی) بود؛ به گونه‌ای که وی را بنیان‌گذار مطالعه تلفیقی در فرهنگ بشری قلمداد می‌کنند.

۴۲- امام علی (ع) در فرمان مبارک خود به مالک اشتر، مشورت با کدام دسته از افراد را زمینه‌ساز ستمگری و ستمکاری مدیر قلمداد می‌کند؟			
(۱) حریص	(۲) ترسو	(۳) لجوج	(۴) نادان
پاسخ: گزینه (۱) حریص			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۱۷۶			

امام علی (ع) در نامه ۵۳ می‌فرماید:

«بخیل را در مشورت دخالت مده که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد و از تنگدستی می‌ترساند.

ترسو را در مشورت دخالت مده که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند.

حریص را در مشورت دخالت مده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد.

همانا بخل و ترس و حرص غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.»

توجه: تبعیت از اکثریت بجای خردمندان به عنوان عارضه تصمیم‌گیری گروهی؛

امام علی (ع) در خصوص "عارضه تصمیم‌گیری گروهی" می‌فرماید: «ای مردم! در راه راست از کمی روندگان نهرا سید، زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شده‌اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است.» در این رابطه ضرب‌المثل "گر خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو" در فرهنگ عامیانه رایج است که از این زاویه با فرهنگ قرآنی سازگار نیست.

۴۳- زمانی که مدیران و کارکنان برای تحقق عدالت سازمانی، از رویه‌های مطلوب سازمانی که میراث گذشتگان است، تبعیت نمایند، دارای کدام ویژگی هستند؟			
(۱) عدالت‌پدیدی	(۲) عدالت اجتماعی	(۳) مروت سازمانی	(۴) تعهد سازمانی
پاسخ: گزینه (۳) مروت سازمانی			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سیدمحمد مقیمی، ص ۳۶۳ – فلش کارت ۱۹۶			

در کلام امام علی (ع) «عدالت» عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای خودش. از دیدگاه اهل حکمت و عرفان «عدالت» عبارت است از تعدیل قوای نفسانی (سه قوه عاقله، غضبیه و شهویه) و قوام دادن اعمال آنها به گونه‌ای که برخی بر برخی دیگر غلبه ننماید.

«عدالت» از دیدگاه فقها و اهل تشیع عبارت است از ملکه‌ای نفسانی که فرد را بر ملازمت بر تقوا (اجتناب از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره) و مروت (پیروی از عادات نیک و اجتناب از مباحاتی که موجب تنفر دیگران و پایین آمدن منزلت فرد در جامعه می‌شود) وا می‌دارد. عدالت در دو حوزه تکوین (عدل الهی) و تشریع (عدالت اجتماعی) تعریف می‌شود. در اسلام برپا کردن جامعه‌ای ایده‌آل و منطبق با ارزش‌های الهی جز از راه عدالت در همه حوزه‌ها میسر نیست. عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. مقتضای عدالت، مساوات است. مساوات یعنی همه را به یک چشم دیدن و همه را برابر در نظر گرفتن. مساوات در این است که همه افراد جامعه از امکانات و شرایط مساوی برخوردار باشند و بدین وسیله هرکس در پرتو لیاقت و استعداد خویش، به کمال لایق خود دست یابد.

امام علی (ع) در نامه ۲۷ خطاب به محمد بن ابی‌بکر فرماندار مصر، ضرورت رعایت عدالت بصری (چشمی) یا پدیداری (عدالت غیر کلامی) را یادآور شده و می‌فرماید: «در نگاه‌هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.»

امام علی (ع) همچنین مراحل مقابله با بی‌عدالتی سازمانی را این گونه تبیین می‌فرماید: «ای مومنان! هرکس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند، خود را از آلودگی سالم داشته است، و هرکس با زبان آن را انکار کند، پاداش داده خواهد شد و از اولی

برتر است، و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است».

حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر سفارش می‌کنند زمامداران باید ریشه ستمکاری خواص و نزدیکانی را که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف را رعایت نمی‌کنند، با بریدن اسباب آن، بخشکانند. امام علی (ع) می‌فرمایند مدیران باید اجرای عدالت را از نزدیکان خود آغاز کنند.

جلال‌الدین دوانی عدالت را در اموری که اصل و ملاک در آنها انتظام امور معاش است (عدالت ارتباطی یا عدالت در روابط با هم‌نوعان) به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. تقسیم اموال و منافع و کرامات

۲. انجام معاملات و مبادلات

۳. امور تربیتی و تدبیری

در نوع اول، حق شخص است که مال یا کرامتی که افراد مثل او دارند، داشته باشند، و اگر زیادی یا نقصانی دارد، باید تلافی و تدارک شود. براساس عدالت نوع دوم، به علت مدنی الطبع بودن انسان، زندگی انسان با مشارکت و معاونت سامان می‌یابد و لازمه مشارکت نیز انجام معاملات و معاوضات با یکدیگر است که در این مبادلات باید عدالت رعایت گردد. در حالت سوم نیز اگر شخصی به فرد دیگری ضرری وارد کرده، باید به همان نسبت دولت او را تأدیب کند تا به عدالت پای‌بند باشد. دوانی معتقد است چون رعایت عدالت در امور فوق بسیار مشکل است، لازم است که به حدود و احکام شریعت رو آورد؛ چون حکمت بالغه و کامله الهی هر چیز را به مقتضای عدالت تعیین کرده است. جلال‌الدین دوانی می‌گوید زمانی می‌توان رفتار عادلانه داشت که اولاً حاکم خود را به جای رعیت فرض کند تا شخصاً بتواند از حالات زیردستان کسب اطلاع نماید و ثانیاً به طور مستقیم حقوق افراد را ادا نماید و برای این منظور وقت معینی را برای ارباب رجوع در نظر بگیرد تا آنان بتوانند بی‌واسطه حوایج خود را عرضه دارند و ثالثاً تدابیری اتخاذ کند که هیچ‌یک از کارگزاران حکومتی، مجال ظلم به مردم را نیابند که هر چه در مملکت رخ دهد، اگر قصور در مدیریت آن باشد، روز قیامت از او سوال می‌شود.

اصطلاح مروت عبارتست از: پیروی از عادات نیک جامعه و اجتناب از مباحاتی که موجب نفرت افراد و پایین آمدن شان و منزلت فرد در جامعه می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که مدیران و کارکنان برای تحقق عدالت سازمانی باید از «مروت سازمانی» نیز برخوردار باشند؛ به‌گونه‌ای که از رویه‌های مطلوب سازمانی که میراث گذشتگان است، تبعیت نمایند.

۴۴- اصل «برکت و تطهیر» به کدام سبک رهبری در مدیریت اسلامی اشاره دارد؟			
(۱) مشفقانه	(۲) تعاون محور	(۳) مدیریت جهادی	(۴) خدمتگزار
پاسخ: گزینه (۲) تعاون محور			
منبع: اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، سید محمد مقیمی، ص ۵۰۰ - فلش کارت ۲۵۹			

- **سبک رهبری تعاون محور:** طبق اصل تعاون مسلمانان موظفاند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است.
  - «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» ؛ «و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید».
  - نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عید فطر و قربان، نمادی از وحدت بر محور دین است.
  - در خصوص ضرورت اجتماعی بودن افراد از واژه «تسالم» استفاده می شود که به معنی همزیستی مسالمت آمیز است و به طور بالقوه بر موضوع مشارکت تاکید دارد. شالوده بحث اجتماع فارابی را تعاون و همکاری میان افراد جامعه برای وصول به غایت واحد تشکیل می دهد.
  - برخی از نکات قابل تامل قرآنی در خصوص سبک رهبری تعاون محور را می توان در قالب اصول و قواعد ذیل مورد بررسی قرار داد:
- ✓ اصل شورا
  - ✓ اصل گوش شنوا داشتن در عین استقلال نظر
  - ✓ اصل مسئولیت در پیگیری اهداف (حتی در صورت عدم مشارکت در تعیین آنها)
  - ✓ اصل همدلی و خردمندی برای تحقق هدف الهی (به عنوان اصل حیاتی مدیریت تعاون محور - موجب پیوند بین قلوب)
  - ✓ اصل مشارکت بر مبنای توانایی
  - ✓ اصل برکت و تطهیر (از طریق مشارکت در خیرات مانند پرداخت زکات و صدقات و سایر وجوهات شرعی)
- اصل بهره مندی بر مبنای میزان مشارکت (از میدان های سخت اجتناب کردن و در میدان های راحت و پر غنیمت شرکت نمودن، پسندیده نیست)

**با مطالعه فلش کارتهای DLM با صرف زمانی بسیار اندک (کلا ۵۵۲ فلش کارت)**

**درصد بالای ۷۰٪ - ۸۰٪ کسب خواهید کرد.**

**این در حالی ست که حتی با مطالعه خود منبع (اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه**

**اسلام دکتر مقیمی) به احتمال زیاد به برخی سوالات منجمله تست ۳۴ نمی شد**

**پاسخ داد!**